

خودارزیابی درس چهارم «سبک شناسی دوره بازگشت و بیداری»

۱ شعر زیر را در دو سطح ادبی و فکری بررسی کنید (از هر سطح دو مورد).

از مُلک ادب حکم گزاران همه رفتند شو بار سفر بند که یاران همه رفتند
آن گرد شتابنده که در دامن صحراست گوید چه نشینی که سواران همه رفتند
داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو کز باغ جهان لاله عذاران همه رفتند
افسوس که افسانه سرایان همه خفتند اندوه که اندوه گساران همه رفتند
یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران تنها به قفس ماند، هزاران همه رفتند
خون بار بهار از مژه در فرقت احباب کز پیش تو چون ابر بهاران همه رفتند

ملک الشعرا بهار

قلمروی ادبی :

بیان: بار سفر بستن، کنایه از آماده حرکت شدن | در ترکیب «گرد شتابنده» استعاره مکنیه وجود دارد و می توان آن را اضافه استعاری نامید. | داغ: استعاره از سیاهی وسط گل لاله است؛ | داغ است دل لاله: کنایه از عزادار بودن لاله است. | لاله عذاران: تشبیه؛ کسانی که عذار (چهره) آنان مانند لاله زیباست. | در ترکیب دل لاله، استعاره مکنیه وجود دارد و یک ترکیب استعاری ست. | در واژه سرو» نیز استعاره مکنیه، تشخیص وجود دارد. | باغ جهان یک ترکیب اضافه تشبیهی ست. | مرغ گرفتار: استعاره مصرحه از انسان اسیر | گلشن: استعاره مصرحه از دنیا | هزاران به معنی بلبلان: استعاره مصرحه از انسان های آزادی خواه | خون بار: کنایه از غم فراوان | چون ابر بهاران همه رفتند: تشبیه رفتن آدمها به رفتن ابر بهاری | خفتن: کنایه از مردن بدیع: در بیت سوم حسن تعلیل (ذکر دلیل ادبی) وجود دارد زیرا برای حالت طبیعی گل لاله و سرو دلیلی غیرعلمی (ادبی) آورده است که صرفا از دید زیبایی شناسی قابل توجیه است. | تکرار واژه «اندوه» در قلمروی واژه آرایست | حروف «ر،س» در برخی ابیات، واج آرایست (موسیقی حروف) ایجاد کرده اند که بر غنای موسیقایی شعر افزوده است. | شعر در محور افقی و در هر بیت، برای تصویرسازی از آرایه مراعات نظیر و تناسب های واژگانی بهره می برد؛ گروه کلماتی از جمله «گرد- دامن - سواران»، «لاله - سرو- باغ» و «مرغ - گلشن - قفس هزار» از آن دسته اند.

قلمروی فکری: شعر در یک فضای غم گرایانه سروده شده است. به اعتقاد شاعر، انسان های خوب و شایسته همه از دنیا رفتند، ایران (وطن شاعر)، خالی از افراد لایق شده و این مساله اندوه شاعر را برانگیخته است. شاعر در نبود همراهان پیرامون

خود، احساس تنهایی و ناامیدی می کند و او نیز راه رهایی را در رفتن و ترک دنیا می داند. شعر یک در لایه معنایی دیگر، بی اعتباری دنیا را نیز تداعی می کند.

۲ این سروده را در قلمرو ادبی بررسی کنید.

گریه را به مستی بهانه کردم شکوه‌ها ز دست زمانه کردم
آستین چو از چشم برگرفتم سیل خون به دامن روانه کردم
از چه روی چون ارغنون ننالم؟ از جفایت ای چرخ دون ننالم
چون نگریم ز درد و چون ننالم دزد را چو محرم به خانه کردم؟

عارف قزوینی

دست زمانه، اضافه استعاری است. | در بیت دوم، ترکیب «سیل خون» اغراق گونه است. | آستین از چشم برگرفتن کنایه از آگاهی و بیداری است. | شاعر خود را در گریستن و نالیدن به ارغنون (از ابزارهای موسیقی) تشبیه کرده است. (ارغنون سازی ست که لوله های فراوانی برای دمیدن دارد و هنگام نواختن، از آن صدای زیادی برمی خیزد. | چرخ: استعاره مکنیه (= تشخیص دارد، زیرا مخاطب شاعر واقع شده است. | بین واژگان درد و دزد نیز جناس ناقص اختلافی وجود دارد.



۳ متن زیر از کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» را در دو سطح زبانی و فکری تحلیل کنید. «اگرچه ما در این تاریخ خود بیداری ایرانیان را از سال ۱۳۲۲ شروع کرده ایم، لکن اگر خیال خود را جمع کنیم و به نظر دقت و انصاف در تاریخ گذشتگان بنگریم، هر آینه به خوبی مشاهده می کنیم که در مجاری سنه ۱۲۶۵ بسیاری از امور و وقایع را که دلالت دارد بر بیداری ایرانیان و قدم گذاردن آنها به راه تمدن و باعث و مسبب آن را جز مرحوم میرزا تقی خان امیرنظام احدی را سراغ نداریم؛ چه آن بزرگ مرد از آن یکه اشخاص بود که به قابلیت خود بدون اسباب و مساعدت خارجی از پستی به بلندی رسید. یعنی پسر آشپز قائم مقام بود و در اثنای کار و شغل، خویش را دارای رتبه و مقام صدارت نمود. دوست و دشمن او را از نوادر دهر شمردند و از خلقت های فوق العاده دانسته و کارهای امیرنظام از ترتیب و انتظام قشون و اصلاح کار دفتر و مالیه که خرج، دو کرور اضافه بر دخل بود و عمارت و مرمت خرابی های دیگر که به زودی محال می نمود و همه در یک دو سال صورت گرفت، گواه و دلیل بزرگی مرد است.»

ناظم الاسلام کرمانی

قلمروی زبانی:

می توان نشانه های سادگی متن دوره مشروطه را در ساختار متن دید. نشانه های این سادگی در جملات کوتاه، واژگان قابل فهم و پرهیز از به کارگیری واژگان دشوار و دیرپاب عربی وجود دارد. وجود برخی واژگان عربی از جمله مالیه، انتظام قشون و عمارت و ... به دلیل کاربرد اصطلاحی آنها در آن دوره تاریخی از زبان فارسی است. | واژه کرور از واژگان دخیل غیر عربی به زبان فارسی ست که در نتیجه تبادلات فرهنگی ایران و اروپا، در کنار بسیاری واژگان دیگر به زبان فارسی راه یافتند. | بیشتر واژگان به کار رفته در متن، ساده است؛ از واژگان غیرساده می توان به گذشتگان (وندی)، بزرگ مرد (مرکب)، خرابیها (وندی) و ... اشاره کرد. | در قلمروی واژگانی، نویسنده از ترکیب های متضاد (دوست- دشمن، پستی بلندی) برای تأثیرگذاری بیشتر سود برده است.

قلمروی فکری :

مضمون غالب متن، نوگرایی و تجددخواهی ست که از مضامین رایج نثر دوره مشروطه است. ناظم الاسلام در این متن، درباره پیشینه تحولات جامعه ایرانی سخن می گوید و منشأ آن را در اقدامات امیر کبیر جستجو می کند. این متن را می توان یک نمونه از متن های تحقیقی و تحلیلی این عصر به شمار آورد.